

چند قاب از خاطرات دهه فجر

خاطراتی به شیرینی فجر



رقابت‌هایی دوستانه

برای خودشان درست می‌کردند و بخشی از دیوار راهروی مدارس را در اشغال خودشان در می‌آوردند و در نهایت در رقابت تنگاتنگ با یکدیگر، دو سه نمونه از روزنامه‌های برتر مربوط به کلاس یا گروه‌های برتر انتخاب می‌شد و در جشن نهایی ۲۲ بهمن یک بسته مداد رنگی، یک تراش فانتزی، جامدادی یا هدایایی از همین دست جایزه‌ای بود که به سه چهار نفری که روزنامه دیواری‌شان برگزیده شده بود در سر صف اهدا می‌شد.

تک‌خوان‌های گروه‌های سرود هم از همان دوران صدای خوش و استعدادشان در آوازخوانی کشف می‌شد. روزنامه دیواری‌هایی هم که با کلی ذوق و شوق کنار هم می‌نشستیم و مطالبی را که از خودمان نوشته بودیم یا از جاهای مختلف جمع‌آوری می‌کردیم با نظم و ترتیب و صفحه‌آرایی حرفه‌ای و تزئین عکس و گل و حاشیه‌نگاری‌های خاص روی مقواهای بزرگ پیاده می‌کردیم.

روزنامه دیواری‌هایی که هر کلاس یا هر گروه از بچه‌ها

ایام دهه فجر یکی از خاطره‌انگیزترین دوران‌هایی است که هریک از ما از دوران درس و مدرسه در ذهن داریم.

دورانی که از مدت‌ها قبل برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر آن خودمان

را آماده می‌کردیم. تزئین کلاس‌های درس و درو دیوار مدرسه با پرچم‌های سه رنگ مثلثی و انواع چلچراغ‌های کاغذی زرق و برق‌دار و عکس‌های امام و شهدای دوران انقلاب تزئین می‌کردیم. در این دوران تمام مدرسه و تمام دانش‌آموزان یکپارچه شور و شوق و اشتیاق بودند. از مدت‌ها قبل گروه‌های سرود تشکیل می‌شد و زیر نظر معلم‌های پرورشی سرودهای انقلابی تمرین می‌کردیم. بخش دیگری از دانش‌آموزان هم گروه‌های تئاتر تشکیل می‌دادند. موضوع این تئاترها هم یک جورهایی باید به انقلاب و پیروزی آن مرتبط می‌شد. روزنامه دیواری، شعر و دکلمه و خلاصه بساط کارهای فرهنگی از هر شکل و شمایل برپا بود.

مریم زاهدی

خبرنگار چار دیواری

خاطرات به یادماندنی



ایام دهه فجر برگزاری جشن‌ها و پذیرایی آن و ساعات ولحظاتی که به بهانه تمرین گروه سرود، گروه تئاتر یا درست کردن روزنامه دیواری با اجازه معلم از کلاس بیرون می‌آمدیم به دفتر پرورشی مدرسه یا نمازخانه مدرسه می‌رفتیم و با همکلاسی‌ها می‌گفتیم و می‌خندیم و گاهی هم کار به دعوا و قهرهای کوتاه مدت می‌رسید که در نهایت باز به آشتی و خنده و شور و نشاط ختم می‌شد.

استعدادهایی که کشف می‌شد

اصلاً از همان روزها استعداد خیلی از افراد در زمینه‌های مختلف کشف شد. همان نمایشنامه‌های کوتاه که برای ایام دهه فجر در سالن آمفی‌تئاتر مدرسه پیش چشم دانش‌آموزان اجرا می‌شد، استعداد نویسندگی را در بخشی از ما بیدار کرد. همچنان که دانش‌آموزانی که برای ایفای نقش در این نمایشنامه‌ها انتخاب می‌شدند، گرچه از خدای‌شان بود برای ساعاتی از کلاس درس و مدرسه و تمرین‌های سخت ریاضی و انشا و املا به تمرین نمایش در نمازخانه مدرسه بپردازند اما برخی وقتی بزرگ شدند، سر از تئاتر و سینما درآوردند.



خاطرات به یادماندنی

به جهت فضای کوچک آن نسبت به حیاط مدرسه، همه بچه‌ها به سختی در آنجا جمع شده بودند. با تمام اینها و با آن‌که آن‌طور که دل‌مان می‌خواست، نتوانستیم سرودمان را اجرایی کنیم اما همان گروه سرود و همان اجرای شلوغ و پرهمهمه در نمازخانه مدرسه آن روز جزو یکی از بهترین خاطراتم از ایام دهه فجر است. حالا هم هر وقت دهه فجر آغاز می‌شود و در کوچه و خیابان باترینات و بزرگداشت‌های دهه فجر روبه‌رو می‌شوم همان حال و هوا برایم تداعی می‌شود و در فضای خاطرات خوش کودکی فرو می‌روم.

آن سال‌ها باران و برف زیادی زمستان‌ها همان شهر و روستا بود. به همین خاطر به خصوص بهمن ماه یکی از سردترین ماه‌های سال بود که همیشه برف و باران زیادی را در این ایام تجربه می‌کردیم. آن سال هم مثل همیشه بنا بود تا مراسم ۲۲ بهمن را به باشکوه‌ترین شکل ممکن در مدرسه اجرایی کنیم و کلی هم برای آن تمرین کرده بودیم. ما یک گروه شش نفره بودیم که سرود انقلابی بهمن خونین جاویدان را سر صف و در خلال مراسم اجرا کنیم. اما به دلیل بارش برف و سرمای هوا مجبور شدیم تا مراسم را در نمازخانه مدرسه اجرا کنیم که

به شیرینی شکلات

یکی از جالب‌ترین خاطراتی که از دهه فجر در ذهنم باقی مانده، مربوط به دوران کلاس پنجم دبستان بود. آن روزها با معلم مان خانم سرافراز برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم‌های دهه فجر کلی برنامه‌ریزی کرده بودیم. یادم می‌آید آن سال مدرسه قرار گذاشته بود هر روزی از دهه فجر را یکی از کلاس‌ها برای تمام مدرسه شکلات تهیه کند. این کار هم با مشارکت بچه‌ها و والدین قرار بود انجام شود. به خاطر دارم آن سال آن قدر بچه‌ها شکلات آورده بودند که بعد از پذیرایی از تمام بچه‌های مدرسه باز هم شکلات اضافه آمده بود!

گروه سرود، روزنامه دیواری، اجرای تئاتر و کارهای فرهنگی از دیگر برنامه‌هایی بود که آن سال بچه‌های کلاس با همکاری همدیگر و تحت نظارت خانم معلم به سرانجام رساندند. به خاطر دارم مراسمی که کلاس ما اجرایی کرد، یکی از بهترین مراسم‌های مدرسه بود.